جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
چهارشنبه ۱۹ آذر ۱۴۰۴ - ۱۹ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷
سال بیست‌وهفتم - شماره ۷۴۷۲ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

بین‌الملل

ترامپ: اروپا گروهی از ملل رو به زوال‌اند

ظاهراً اروپاییان پشت اوکراین درآمده‌اند و از زلنسکی خواسته‌اند مقابل طرح ترامپ برای خاتمه دادن به جنگ اوکراین بایستد، چراغ سبزی که موجب شده رئیس‌جمهور اوکراین علناً طرح رئیس‌جمهور امریکا را رد کند. همین عاملی شد که ترامپ دیروز یک بار دیگر هشدار بدهد که «اروپا باید خیلی مراقب باشد»، زیرا به گفته او «آن‌ها در برخی مسیرهای بسیار بد پیش می‌روند». رئیس‌جمهور امریکا همچنین با تحقیر کم‌سابقه اروپاییان، آنها را «گروهی از ملل رو به زوال» نامید که خودشان دارند خود را نابود می‌کنند | صفحه ۱۵

صفوف فشرده بیماران پشت مطب دیپلمه قلابی!

● غلامرضا مسکنی | خبرنگار گروه حوادث

یک پزشک دیپلمه قلابی آن‌قدر کارش می‌گیرد که حالا و پس از دستگیری باید چهره‌اش نمایان باشد تا کثیری از شاکیان یا کسانی که او جراحی زیبایی‌شان کرده، بتوانند شناسایی‌اش کنند! شلوغی مطب‌های پزشکان، هزینه‌های سرسام‌آور درمان و کمبود پزشکان متخصص موجب شده است فرصت‌طلبان با تبلیغات اغواکننده و بدون مدرک پزشکی، بیماران را فقط به بهانه پرداخت هزینه کمتر فریب دهند. درخواست مبالغ هنگفت و زیرمیزی که حتی به برکناری یکی از معاونان وزارت منجر شد، بیماران زیادی را ناچار به سمت پزشکان قلابی که خود را متخصص معرفی می‌کنند سوق می‌دهد. مهدی عرب‌لو یکی از آن قلابی‌هاست که با شکایت ۵۰ زن جوان تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و پس از انتشار تصویر بدون پوشش، به دستور قاضی بازداشت شد. متهم از این راه میلیاردها تومان به جیب زده است و به گفته خودش، خانه‌اش در خیابان فرشته و خودروی زیر پایش پورشه است | صفحه ۱۴

جشنواره «ارتقای شفافیت و رفع موقعیت‌های تعارض منافع» با مشارکت قوای سه گانه برگزار شد

اراده مبارزه با فساد را به میدان بیاورید

صفحه ۲

یک دیپلمه که خودش ادعای دیگری دارد، برای بار دوم به اتهام معرفی خود به عنوان فوق‌تخصص جراحی زیبایی بازداشت می‌شود. اصل تعجب آن است که چطور هم جامعه و هم نهادهای نظارتی دوباره گول او را خوردند!

تشدید بحران صندلی‌های خالی تخصص پزشکی

با توقف افزایش پذیرش پزشکی در دوره عمومی بحران صندلی‌های خالی تخصص تشدید می‌شود

● زهرا چیذری | خبرنگار گروه اجتماعی

در میان تمامی مطالبات دانشجویان از خوابگاه گرفته تا شهریه و طرح و اشتغال و وام و حتی غذای دانشجویی جالب است که دولت پای مطالبات دانشجویان در رابطه با افزایش ظرفیت دانشجویان پزشکی ایستاده‌است! حالا هم بعد از وزیر و معاون آموزشی وزارت بهداشت، نوبت به معاون اجرایی رئیس‌جمهور رسیده که علیه افزایش ظرفیت پذیرش پزشکی نسخه بپیچد؛ همچنان که در مراسم بزرگداشت روز دانشجو تأکید کرد: «به طور جدی پیگیر توقف موضوع افزایش ظرفیت دانشجوی پزشکی هستیم.» تأکید دولتی‌ها بر توقف افزایش و حتی کاهش ظرفیت‌های پذیرش پزشک در حالی است که همین حالا هم با بحران خالی ماندن صندلی‌های تخصص مواجهیم و از آنجا که گذراندن دوره تخصص ملزم به داشتن مدرک پزشکی عمومی است با کاهش ظرفیت‌های پذیرش پزشکی عمومی لاجرم ریسک خالی ماندن صندلی‌های تخصص هم بالاتر می‌رود! | صفحه ۳

ساختاری که زخم‌هایش درمان نمی‌شود

حسین فصیحی
دبیر گروه حوادث

بازداشت دوباره مهدی عرب‌لو، فردی با سابقه کیفری که سال‌ها در پوشش «پزشک زیبایی» در یکی از گران‌ترین محله‌های تهران مطب داشت و در بیمارستان‌های خصوصی زیر عنوان «جراح» به جان مردم می‌افتاد، تنها یک نقطه روی نقشه آسیب‌های ساختاری حوزه درمان نیست؛ یک نشانه است، نشانه‌ای از شکافی که میان اعتماد عمومی و نظام سلامت کشور هر روز عمیق‌تر می‌شود. شکافی که نه با چند بازداشت و چند اطلاعیه و نه با چند مصوبه دیرهنگام پنهان می‌شود. حقیقت این است که سیستم درمان در برخی نقاط از کنترل خارج شده و نظارت سال‌هاست از نفس افتاده است. اینکه فردی فاقد تخصص، با سوءسابقه، با مهر پزشکان دیگر و با اتکا به خلأهای نظارتی بتواند در بیمارستان خصوصی اتاق عمل بگیرد و جراحی انجام دهد، نه فقط یک رفتار مجرمانه فردی، بلکه یک شکست سازمانی بزرگ است. پرسش اصلی این نیست که چگونه عرب‌لو دوباره بازداشت شد؟ بلکه پرسش این است که چگونه اصلاً آزادانه کار می‌کرد؟ | صفحه ۱۴

سردرگمی بنزینی دولت کارشناسان!

بالاخره زمان اجرای مصوبه دولت درخصوص اصلاح قیمت بنزین مشخص شد و طبق گفته سخنگوی دولت، بناست افزایش نرخ سوم بنزین به ۵هزار تومان از بامداد روز شنبه ۲۲ آذرماه عملیاتی شود. هرچند با تکذیبیه‌ها و سرانجام تغییرات تازه.

تصمیم ابتدایی دولت برای حذف سهمیه بنزین برای خودروهای نوشماره، موجی از انتقادها را به دنبال داشت و در مدت کوتاهی دولت را ناچار به اصلاح دوباره مصوبه کرد. بازگشت سهمیه به خودروهای صفری که قیمت کارخانه‌ای آنها کمتر از یک میلیارد تومان است، نمونه‌ای دیگر از سردرگمی دولت کارشناسان بود. نهایتاً دولت تصمیم گرفت حذف سهمیه بنزین خودروهای نوشماره زیر یک‌میلیارد منتفی شود. این تغییر اخیر اگرچه بخشی از نگرانی‌ها را برطرف می‌کند اما شیوه تنظیم و اجرای چنین مصوبه‌ای نشان می‌دهد که ابعاد اقتصادی و اجتماعی سیاستگذاری بنزین همچنان با سنجش‌های دقیق و ارزیابی جامع همراه نیست. خودروهای صفر داخلی که بنا بر سند کارخانه‌ای، قیمت آنها زیر یک‌میلیارد تومان است، اکنون به فهرست دریافت‌کنندگان سهمیه بازگشته‌اند که در ظاهر تصمیمی توده‌پسند است اما منطق تصمیم‌گیری در مرحله نخست حذف این سهمیه همچنان روشن نشده است. این رفت‌وبرگشت‌ها بیش از آنکه بیانگر انعطاف باشد، نشانه‌ای از خلأ در فرآیند کارشناسی پیش از تصویب است. اصلاحیه منتشرشده، تعریف تازه‌ای از «خودرو نوشماره» ارائه داد و شرط «ایرانی بودن سازنده» را نیز به آن افزود تا مسیر تخصیص سهمیه روشن‌تر شود. این اقدام گرچه به منظم‌شدن ساختار اجرایی کمک می‌کند، اما چرا چنین موارد بدیهی در متن اولیه لحاظ نشده بود؟ سیاست‌های مربوط به انرژی به دلیل اثرگذاری گسترده بر بودجه عمومی، رفتار مصرف‌کننده و عدالت اجتماعی، نیازمند فرایندی منسجم از تحلیل، برآورد و گفت‌وگو با نهادهای تخصصی است که اگر به‌درستی طی نشود، نتیجه آن همین رفت‌وبرگشت‌های پرهزینه خواهد بود. اصلاح‌های مکرر در حوزه بنزین نشانه ضعف در تنظیم یک مصوبه و فراتر از آن بازتابی از مشکل گسترده‌تر در حکمرانی انرژی است، چراکه تدوین سیاست در این حوزه باید بر پایه داده‌های معتبر، الگوهای اقتصادی و تجربه اجرای طرح‌های مشابه صورت گیرد تا هر تصمیمی پیش از اعلام عمومی، از مسیر آزمون و ارزیابی دقیق عبور کند. طبعاً چنین سازوکاری از آشفتگی جلوگیری می‌کند.

اکنون که مصوبه در نسخه اصلاح‌شده در آستانه اجرا قرار گرفته است، انتظار می‌رود دولت با تکیه بر تجربه این ماه‌ها، مسیر تصمیم‌گیری شفاف‌تری را پیش گیرد و از تکرار چنین اصلاحات پی‌درپی پرهیز کند. سیاست بنزینی صرفاً یک بخش از نظام بزرگ‌تر مدیریت انرژی کشور است و اگر این حوزه نتواند ثبات، پیش‌بینی‌پذیری و انسجام لازم را تأمین کند، سایر بخش‌ها نیز با چالش‌های مشابه روبه‌رو خواهند شد. بنابراین دولت چهاردهم باید به دنبال رویکردی مبتنی بر کار کارشناسی عمیق، ارتباط با جامعه و ثبات در اعلام و اجرای سیاست‌ها باشد. چه آنکه از دولت چهاردهم که رئیس آن بارها مدعی شده است به کار کارشناسی بها می‌دهد، انتظار می‌رود واقعاً به کار کارشناسی بها دهد و اجازه ندهد یک موضوع مهم در حد بنزین که یک متغیر مؤثر است، به این راحتی چندین بار اصلاحیه بخورد.

سرمقاله

بحر معارف دین و کوزه فهم سلیقه‌ای

محمدجواد اخوان
مدیرمسئول

در مناظره‌ای که اخیراً در فضای مجازی، حول ادعاهای فردی معمم درباره حوادث منجر به شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله علیها) صورت گرفت - فارغ از محتوای مناظره که خود مجال گسترده‌ای برای بحث می‌طلبد - نکته برجسته‌ای در اظهارات آن معمم مدعی نواندیشی و دگراندیشی مشاهده شد؛ فهم دین با عباراتی از قبیل «این با عقل من جور درنمی‌آید» یا «من نمی‌توانم این را بپذیرم».

واقعیت این است که جریانی که خود را «نواندیش دینی» می‌خواند، در گزاره‌های اعتقادی و منازعات کلامی خویش، همواره از چنین عبارت‌هایی استفاده می‌کند؛ تا آنجا که می‌توان گفت افراد جریان موسوم به نواندیشی دینی، با شاقول ذهنی خود در حال سنجش و پالایش دین هستند. مسئله اصلی تنها این نیست که فردی یا افرادی بخواهند با ذهن محدود خود دین را تفسیر و معنادهی کنند، بلکه نکته مهم‌تر آن است که این طیف رسالتی بر دوش خود می‌پندارند که باید اعتقاد عموم جامعه را نیز با فهم ناقص خود دستخوش تغییر کنند.

در اینجا دو نکته اساسی قابل تأمل است:

نخست آنکه، چرا یک روشنفکر یا متفکر - با هر میزان آزاداندیشی و توان فکری - که ذاتاً دارای ذهنی محدود است و به‌ناچار با حدومرزهای دانش و ادراک بشری روبه‌رو است، به خود اجازه می‌دهد معارف بیکران دینی را به‌عنوان پدیده‌ای عینی و برخاسته از آموزه‌ای وحیانی در چارچوب تنگ تصورات ذهنی خود جای دهد و هر آنچه را در قالب این چارچوب نگنجد، انکار کند؟ به قول مولوی «گر بریزی بحر را در کوزه‌ای / چند گنجد؟ قسمت یک‌روزه‌ای» چرا با کوزه ناچیز خود می‌خواهند دریای بیکران دین را بر دوش بکشند؟ این ضعف بنیادین چنین نگرشی است. چرا باید پرچمداری اعتقادات جامعه را به فهم سیال و البته ناقص یک یا چند فرد سپرد؟

نکته دوم - که به‌همان اندازه مهم است - این پرسش را پیش می‌آورد: از کجا معلوم که این شاقول ذهنی به‌اصطلاح نواندیش، در دام دلبستگی‌ها، سلایق شخصی و شهوات نفسانی گرفتار نیامده باشد؟ یعنی آنچه مطابق میل و طبع باشد، به‌عنوان دین بپذیرد و آنچه خوشایند نباشد، به‌عنوان خرافه یا تحریف طرد کند؛ که نمونه‌های آن فراوان دیده می‌شود.

اصولاً چرا باید دین تابع سلیقه سیال فرد یا گروهی خاص تعریف شود؟ اگر دین مطابق علاقه و خواست افراد معنا یابد، دیگر رابطه خالق و مخلوق مفهومی نخواهد داشت. دین در معنای حقیقی خویش در چارچوب رابطه خداوند با بندگان تعریف می‌شود و اگر غیرازاین باشد، اساساً باطل و بی‌خاصیت است. اگر دین بر اساس تمایلات نفسانی انسان تنظیم شود، در حقیقت خواست و انتظار خداوند نادیده گرفته شده است.

در اینجا ممکن است این اشکال مطرح شود که آیا این اشکال به افراد مدعی نواندیشی دینی به‌معنای تعطیل کردن عقل در فهم دین است؟

پاسخ آن است که هرگز. عقل باید در فهم دین به کار رود، چراکه حجت باطنی است و در شناخت حجت ظاهری - یعنی پیامبر و وحی - یاری‌رسان خواهد بود؛ اما شرط آن است که عقل، اولاً ابزاری صرف نباشد و ثانیاً در خدمت هوس‌های نفسانی قرار نگیرد. انسان باید در پی کشف حقیقت خارجی دین باشد، نه برساختن ذهنی دین با تمایلات درونی خویش. این مرزی بسیار باریک و ظریف است که متأسفانه بسیاری از مدعیان نواندیشی دینی از آن غفلت کرده‌اند و فهمی سلیقه‌ای و منطبق بر خواسته‌های محدود ذهنی خود از دین ارائه داده‌اند. قسمت تلخ‌تر آن است که اصرار دارند با فهمی که امروز دارند و چه‌بسا فردا دیگر نداشته باشند، بنیان‌های اعتقادی جامعه ایمانی را دستخوش تغییر کنند.

جریان سلیقه‌گرا در فهم دین در واقع نسخه به‌روز شده همان کسانی هستند که خداوند در قرآن کریم آنان را چنین توصیف می‌کند: «يُقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَٰلِكَ سَبِيلًا» (می‌گویند به بعضی ایمان می‌آوریم و به برخی کافر می‌شویم و می‌خواهند میان کفر و ایمان راهی پیدا کنند). دین سلیقه‌ای چیزی جز دین ساختگی نیست، هرچند موجبات آرامش لحظه‌ای مدعیان آن و توجیه‌گر روش و منش آنان باشد.

۱۵

هراس تل‌آویو از قدرت موشکی ایران

روزنامه معاریو روز سه‌شنبه به نقل از یک منبع آگاه صهیونیستی گزارش داد که نماینده ارتش اسرائیل در جلسه محرمانه کنست (پارلمان اسرائیل) مدعی شده که ایران در حال تولید سریع موشک‌های بالستیک است و نسبت به این مسئله هشدار داده است. از سوی دیگر، «یوسی کارادی» رئیس آژانس داخلی فضای سایبری رژیم صهیونیستی به نفوذ اطلاعاتی و سایبری ایران در سرزمین‌های اشغالی در جنگ ۱۲روزه خبر داد و گفت: «تهران با نفوذ به دوربین‌های پارکینگ‌ها و دیگر دوربین‌های جاده‌ای حرکات شخصیت‌های مهم اسرائیلی را زیر نظر گرفت تا عملیات‌هایی برای هدف‌قرار دادن و آسیب رساندن به آنها طراحی کند»

۴

یورتمه ارز در بیراهه گرانی

● بهناز قاسمی | خبرنگار گروه اقتصادی

دولت به جای آنکه در شرایط پرنوسان کنونی، ابزارهای کنترلی بانک مرکزی را تقویت کند، با تصمیماتی چون آزادسازی واردات بدون تعهد ارزی، صدور مجوز برای تسویه دلاری و سیاست‌های ناپایدار ارزی در حوزه خودرو و کالاهای اساسی، عملاً به برهم خوردن تعادل بازار کمک کرده است

یادداشت سردبیر

غلامرضا صادقیان

پزشک راننده اسنپ نشود؟ معاون اجرایی چطور؟!

معاون اجرایی رئیس‌جمهور گفته است «قرار نیست پزشک تربیت کنیم که برود در اسنپ کار کند»! می‌توان به ایشان گفت «پزشک تربیت کنیم که برود معاون اجرایی رئیس‌جمهور بشود چطور؟!» اگر تربیت پزشک برای حضور در بیمارستان و مطب است، چه تفاوتی هست بین اسنپ یا یک شغل اداری دولتی؟ هرچند یک پزشک از پس کار رانندگی اسنپ به خوبی برمی‌آید اما در کارهای تخصصی مدیریت دولتی اتفاقاً خود جناب معاون اجرایی نشان داده است که هر کس پزشک است لزوماً مدیر اجرایی موفقی آن‌هم در سطح ملی نیست، حتی اگر در تمجید از رئیسان خود سنگ‌تمام بگذارد.

صنف پزشک بسیار بیشتر از هر صنفی هوای یکدیگر را دارند. و البته بسیار اهل تقوی درباره تابلوی مطب خود هستند. مسئله این صنف که حالا می‌خواهند جلوی افزایش ظرفیت دانشجوی پزشکی را بگیرند، نه دغدغه علمی و نگرانی از آموزش کافی دانشجو است و نه دغدغه ملی مهاجرت. هر کس از مسائل این صنف و پشت‌پرده‌ها خبر داشته باشد می‌داند که مسئله اصلی مخالفت‌ها با سهمیه مصوب دانشجوی پزشکی، انحصار پزشکی در مطب‌های خاص و پرنگه‌داشتن مطب است. همین حالا گزارش‌ها از کیمیاشدن چندین و چند تخصص پزشکی از قلب‌وعروق، اطفال، بیهوشی، و رشته‌های دیگر در آینده نزدیک خبر می‌دهد که به خاطر سختی کار نسبت به رشته‌های بدون کشیک و شیک‌تر (چشم و پوست) اقبال کمتری دارند. معاون برکنارشده وزارت به بیماری که نمی‌توانسته برای عمل فوری، شش سکه زیرمیزی بدهد، گفته است اگر سکه نداری باید چند سال در بیمارستان دولتی در نوبت بمانی! بعد آقایان از زیادبودن پزشک و بی‌فایده‌بودن تربیت پزشک جدید حرف می‌زنند. جعفر قائم‌پناه گفته است: «به‌طور جدی برای توقف افزایش ظرفیت دانشجوی پزشکی ایستاده‌ایم. برای چنین افزایش ظرفیتی اصلاً فضا و کلاس آموزشی مورد نیاز وجود ندارد. دانشجوی پزشکی، بیمار و تجهیزات می‌خواهد که شرایط آن وجود ندارد». اولاً چرا باید یک مقام دولتی صراحتاً با مصوبه قانونی مخالفت کند. دولت مجری قانون است، نه زیرپاگذار قانون. ثانیاً باقی حرف‌ها که امکانات و بیمار نداریم، دروغ محض است! ما در کشور بیمار و تجهیزات نداریم؟! چطور در وقت دیگر و در جای دیگر ایران را از پیشرفته‌ترین‌ها در گستردگی امکانات و تجهیزات فراوان آموزشی و درمانی معرفی می‌کنید اما این‌جا خلاف آن را می‌گویید. در جای دیگر آمار شمار فراوان بیمار و مصرف چندبرابری دارو و مراجعات و بستری‌ها را می‌دهید و این‌جا می‌گویید بیمار (برای آموزش پزشک) نداریم؟!

در سازمان نظام پزشکی هم کسی گفته است که «[فقط] ۸درصد پزشکان زیرمیزی می‌گیرند». مسئله آماردادن مسئولان ما گاهی با یک اغفال یا فریب همراه است. آن‌جا که باید عدد بدهند، درصد می‌گویند و آن‌جا که باید درصد بدهند، عدد! مثالی از خود نظام درمان می‌زنم. اگر در یک سال باید صدهزار قلم از یک داروی خاص را که سال پیش نصف این رقم تولید شده است، تولید شود ولی به جای صدهزار ۸۰هزار تولید شده باشد، نشست خبری می‌گذارند و می‌گویند تولید امسال (۸۰هزار) نسبت به پارسال (۵۰هزار) ۶۰درصد رشد داشته است! این‌جا درصد گفتن نوعی فریب است هرچند ۶۰درصد عدد بزرگی به حساب بیاید ولی تکلیف این نبوده است. در شکلی دیگر اگر گفته شود که باید ۳۰۰درصد به تولید آن دارو اضافه شود یعنی چهاربرابر یا ۲۰۰هزار شود، چنانچه به این رقم نرسیده باشند و صدهزار اضافه تولید کرده باشند، همین صدهزار عدد را می‌گویند و درصد را مخفی می‌کنند. به هر حال اگر شما یک کیلومتر جاده بسازید و سال بعد هم یک کیلومتر دیگر، هیچ‌گاه در آماردهی اگر صادق نباشی راضی نمی‌شوی که بگویی امسال یک کیلومتر جاده ساختیم، بلکه می‌گویی رشد صددرصدی داشتیم و دروغ هم نگفته‌ای! بنابراین گزاره ۸درصدی‌بودن پزشکان زیرمیزی‌بگیر این حقیقت را مخفی می‌کند که اصولاً سروکار مردم دقیقاً با همین ۸درصد است که مطب‌های شلوغی دارند و دست‌طلایی و پنجه‌طلایی هستند و روزی چند عمل می‌کنند و مردم از سراسر کشور به آنان مراجعه می‌کنند. درست و صادقانه‌اش آن است که به جای ۸درصد، تعداد آنان را بگویند و این تعداد را نه از جمع عمومی و متخصص که از جمع متخصصان و سپس از جمع متخصصان ساکن شهرهای بزرگ آمار بدهند تا معلوم شود چه خبر است.

وانگهی اگر پزشک کافی داریم و بیمار هم کم است، چرا باید زیرمیزی رواج پیدا کند؟! اگر بگویید در هر صنفی عده‌ای بزرگ می‌شوند، چرا باید جلوی بروز استعدادهای دیگر را که می‌توانند بزرگ شوند، بگیرید؟! چرا برخی شهرها و حتی یکی دو مرکز استان، از برخی تخصص‌ها حتی یک پزشک مستقر هم ندارند؟!

مردم مالیات و پول نفت و بیت‌المال را نمی‌دهند که شما پزشک شوید و سپس یک کار اجرایی در دولت بگیرید که مانع افزایش دانش پزشکی خودتان و انجام درمان در بیمارستان شوید و به جای آن در وقتش در دفاع از صنف خود با قوانین مصوب مجلس و شورای عالی انقلاب فرهنگی با جسارت مخالفت کنید. «ول» کنید این ماجراها را.